

## رئوس ارزیابی، جهت گیری ها و اولویت های تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران

کنفرانس هشتم تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران در شرایطی برگزار شد که عمق و گستردگی بحران نظام سرمایه داری جهانی، بر کلیه ابعاد کار و زندگی و مبارزه طبقه کارگر و اکثریت مردم تاثیرات مستقیمی بر جای نهاد و جنبش سوسیالیستی این طبقه و جبهه عدالتخواهی در سطح جهان را در موقعیت جدیدی قرار داده است.

بحران کنونی که حتی به گفته بسیاری از ایدئولوگ های بورژوائی یکی از بزرگترین بحرانهای اقتصادی تاریخ جامعه انسانی است ریشه در تضادها و تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری دارد. این بحران که از عوامل بحران زای این نظام چون گرایش نزولی نرخ سود، اضافه تولید و هرج و مرج در آن ناشی می شود، اگر چه ابتدا در ورشکسته شدن بانکها و سقوط بازار سهام بروز پیدا کرد اما بسرعت در عرصه تولید نیز خود را نشان داد. این بحران با رکود و به تعطیلی کشاندن شمار زیادی از مراکز تولیدی و بیکارسازی های بین المللی، فقر و بیکاری و ناامنی بیشتر برای اکثریت ساکنان روی زمین، بدنال آورده است و با کاهش دستمزدهای واقعی طبقه کارگر و کاهش قدرت خرید مردم در کشورهای مختلف جهان، ابعاد ویرانگر خود را هر چه بیشتر نمایان ساخت و نشانه های آغاز یک دوره رکود عمیق اقتصادی آشکار نموده است.

این بحران و ورشکستگی اقتصادی، در عین حال ورشکستگی سیاسی و ایدئولوژیک نظام سرمایه داری را نیز بیشتر آشکار کرد، با خود پایه های نئولیبرالیسمی که از دهه هشتاد قرن گذشته به پشتوانه ایدئولوژیک نظام سرمایه داری تبدیل شده بود را فرو ریخت و تمام پرنسیپ ها و قانونمندیهای سیستم تولید مبتنی بر رقابت و بازار آزاد را رسوا کرد و به زیر سوال برد.

بحران اقتصادی جاری علیرغم دشواریها و محدودیت هایی که از طریق گسترش فقر و بیکاری، به مبارزه طبقه کارگر تحمیل کرده است اما در همانحال زمینه های عینی گسترش مبارزه و اعتصابات توده ای طبقه کارگر را فراهم آورده است. اعتصابات و اعتراضات میلیونی طبقه کارگر و حقوق بگیران فرانسه در برابر طرح دولت برای مقابله با بحران، اعتراضات و اعتصابات کارگری در یونان، آلمان، ایتالیا و دیگر مراکز سرمایه داری جهان نشان از آن دارد که طبقه کارگر در برابر حملاتی که به زندگی و سطح معیشت او تدارک دیده شده است، دست روی دست نمی گذارد و ضد حمله خود را سازمان می دهد.

این بحران اقتصادی، ورشکستگی سیاسی و ایدئولوژیک بورژوازی، و رشد جنبش اجتماعی طبقه کارگر، زمینه های عینی و ذهنی تعرض و پیشروی جنبش سوسیالیستی را فراهم آورده اند. اگر در سال 1990 ایدئولوگ های سرمایه داری به کمک ژورنالیسم اجیرشان به دروغ و به ناحق سرمایه داری دولتی را که در کشورهای اروپای شرقی حاکم بود، سوسیالیسم نامیدند و سقوط آن را شکست و سقوط سوسیالیسم معرفی کردند و با سرمستی پایان تاریخ، ابدیت نظام سرمایه داری و شکست بال های سوسیالیسم را اعلام کردند، و از این راه شرایط دشواری را به فعالیت کمونیستی تحمیل کردند، اینبار نوبت طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه است که با اعلام ورشکستگی اقتصادی، ایدئولوژیک، سیاسی و اخلاقی بورژوازی و اعلام بی کفایتی این طبقه در اداره جامعه، خود را برای تعرض به سرمایه داری در کلیه زمینه ها آماده کند.

اگر طبقه کارگر گذر کردن از این بحران را به بورژوازی و راه حل هایش واگذار کند، در این صورت طبقه سرمایه دار با تحمیل فقر و سیه روزی بیشتر به اکثریت آحاد جامعه، با تحمیل بربریت و سلب امنیت از زندگی انسانها و از کل جامعه بشری، سرانجام متمرکزتر و حریص تر شرایط ادامه حیات خود را برای یک دوره دیگر فراهم خواهد ساخت. اما در مقابل، مبارزه سوسیالیستی و انقلاب اجتماعی آن مسیری است که میتواند طبقه کارگر را هم از عوارض ویرانگر این بحران و هم از شر نظام سرمایه داری و بحرانهایش رها سازد و هم سرانجام این نظام را نیز چون نظامهای گذشته به گورستان تاریخ بسپارد.

بحران جهانی سرمایه داری و کاهش آهنگ رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی بزرگ جهان از طریق کاهش قیمت نفت، بطور سریع و مستقیم بحران اقتصادی دیر پاتر رژیم جمهوری اسلامی را تشدید کرده است. در این شرایط رژیم می خواهد با تشدید تعرض به سطح معیشت و سفره بی رونق افشار تهیدست جامعه عوارض ناشی از سقوط قیمت نفت را جبران کند. سقوط قیمت نفت در شرایط محاصره اقتصادی از هم اکنون خود را در کمبود پاره ای از کالاها، احتکار کالاها در بازار سیاه و بالا رفتن سرسام آور قیمت بسیاری از کالاها پایه ای و برخی خدمات مورد نیاز مردم نشان داده است، یعنی در واقع کاهش قیمت نفت به سلاخی جهت تعرض به سطح زندگی مردم تبدیل شده است.

عواقب ویرانگر این بحران بر زندگی و معیشت توده های میلیونی مردم ایران در شرایطی که رژیم بنا به ماهیتی که دارد نمی تواند هیچ تغییری در جهت بهبود وضعیت زندگی مردم ایجاد کند، زمینه های عینی گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و مبارزات توده ای و شورشهای مردمی در شهرهای بزرگ ایران را فراهم آورده است. همین واقعیت است که مهر خود را بر تشدید اختلافات میان سران و جناحهای درون حاکمیت جمهوری اسلامی در این دوره کوبیده است. مانورهای گردانهای ضد شورش نیروی سپاه پاسداران و بسیج در تهران و شهرهای بزرگ ایران، افزایش شمار اعدام ها، موج تازه دستگیری فعالین کارگری و فعالین دیگر جنبش های اجتماعی، همگی بخشی از اقدامات رژیم برای قدرت نمایی و تدارک برای مقابله با خیزش های احتمالی است.

با توجه به سقوط و بی اعتبار شدن الگوهای اقتصادی نئولیبرالی در سطح جهان و زیر سؤال رفتن پرنسپ ها و قانونمندی های سیستم مبتنی بر بازار آزاد و همچنین آشکار شدن ورشکستگی سیاسی و ایدئولوژیک بورژوازی در سطح جهان در نتیجه این بحران، موقعیت اپوزیسیون بورژوائی ایران که هیچ آلترناتیوی جز دنباله روی از الگوهای اقتصادی و ارزش های فکری و فرهنگی نئولیبرالیسم در عرب نداشت تضعیف شده است. و این روند هم می تواند بر گسترش زمینه های فعالیت سوسیالیستی در جامعه ایران کمک کند و به تلاش بیوقفه برای شکل دادن به آلترناتیو حکومت کارگری مبرمیت بیشتری می بخشد.

کنفرانس هشتم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران بر متن این اوضاع سیاسی در جهان و ایران برگزار شد. اگر در جبهه سرمایه داران و دولت هایشان نشست ها جی 5 و جی 8 و جی 20 و همایش دیگر نهادهای بین المللی سرمایه داری جهانی هر کدام به نحوی به راهکارهای مقابله با این بحران معطوف می شوند ، و در سطح ملی نیز چاره اندیشی برای مقابله با بحران در اولویت دولت ها قرار می گیرد، در جبهه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و بشریت عدالتخواه نیز مسائل مربوط به پیامدهای این بحران و آلترناتیو و بدیل های طبقاتی و متضاد مقابله با آن نمی تواند کل مباحث درون جنبش سوسیالیستی را بنحوی تحت تاثیر قرار ندهد.

حزب کمونیست ایران بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی در متن این اوضاع سیاسی جدید برای سازماندهی انقلاب اجتماعی در ایران مبارزه می کند. از نظر ما طبقه کارگر نیروی محرکه و عامل سرنوشت ساز وقوع انقلاب اجتماعی در یک استراتژی سوسیالیستی است. تنها طبقه کارگر آگاه به مصالح و منافع دور و نزدیک خویش، طبقه کارگر متشکل در شکل های توده ای و طبقاتی و حزبی خود است که قادر است دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی مانند جنبش زنان، جنبش دانشجویی و گروه های اجتماعی پیشرو را برای رسیدن به خواسته های عادلانه شان به جلو سوق دهد و سرانجام انقلاب اجتماعی را به ثمر رساند. از نظر ما سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد هر نوع بهبود و اصلاحی در زندگی مردم و تثبیت دستاوردهای مبارزاتی آنها تنها از چنین مسیری می گذرد.

فعالیت تشکیلات حزب در خارج از کشور باید به تحقق استراتژی سوسیالیستی حزب در ایران یاری رساند و تاکتیک ها، سبک کار و اولویت های فعالیت آن از همین استراتژی تبعیت می کند. کمیته خارج کشور با این درک و نقطه عزیمت از جایگاه فعالیت حزب، بار دیگر بر این اولویت ها تاکید می کند:

1- گسترش فعالیت برای تقویت جنبش کارگری ایران. جنبش کارگری ایران علیرغم اوضاع فلاکتبار اقتصادی و سرکوبگری های رژیم، در چند سال اخیر روند رو به رشدی داشته

است. اعتراضات و مبارزات کارگری در این سالها و رودر رویی نیروهای سرکوبگر رژیم با کارگران در دل این مبارزات جنبش کارگری ایران را بشدت سیاسی کرده است، کارگران در این مبارزات نه تنها به ماهیت سرمایه داران بلکه به ماهیت طبقاتی دولت و قوانین آن نیز پی برده اند. طبقه کارگر در جریان مبارزات خود نسلی از پیشروان و رهبران خود را پرورده کرده است، این رهبران علیرغم فشارهای رژیم راه و رسم کار عینی و فعالیت در ابعاد وسیع و اجتماعی را آموخته اند. بسیاری از این فعالین و پیشروان کارگری بمنظور ایجاد هماهنگی و متمرکز کردن فعالیت هایشان در تشکل ها و نهادهایی گرد آمده اند و برای کمک به پروسه ایجاد تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران تلاش می کنند. در سالهای اخیر بر متن گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در داخل ایران و به همت فعالین، تشکل ها و نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور، اخبار مبارزات و رویدادهای جنبش کارگری در مقایسه با گذشته سریع تر و در سطح نسبتا گسترده تری در خارج کشور انعکاس پیدا کرده است و تلاش های با ارزشی در زمینه جلب همبستگی و حمایت از جنبش کارگری و فعالین این جنبش صورت گرفته است، اما علیرغم همه این تلاشها و فعالیت هایی که انجام گرفته هنوز جنبش کارگری ایران در ترسیم اوضاع سیاسی ایران جایگاه واقعی خود را در رسانه های بین المللی پیدا نکرده است. فعالین حزب کمونیست در خارج کشور باید ارتقای ظرفیت های خود در این زمینه یکی از مهمترین اولویت های خود بشمار آورند و برای این هدف ارتباطات خود را گسترش دهند و امکان سازی کنند.

2- جنبش زنان یکی از جنبش های پایدار اجتماعی در ایران است. در جامعه ایران بربریت و توحش رژیم اسلامی در قبال زنان هویت انسانی آنان را چنان لگد مال کرده است، که اعتراض و شورش و طغیان زنان علیه وضع موجود را به یکی از ارکان اساسی مبارزه توده های مردم در راه انقلاب و برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. اما علیرغم موقعیتی که مبارزه زنان در جنبش آزادیخواهانه مردم ایران پیدا کرده است جنبش زنان هنوز جایگاه واقعی خود را در نزد افکار عمومی جهان و رسانه های بین المللی پیدا نکرده است. فعالین حزب کمونیست در خارج کشور همانگونه که انعکاس اخبار و رویدادهای جنبش کارگری ایران و جلب حمایت از این جنبش را جزو فعالیت روتین خود تعریف کرده و به جا افتادن سنت های معینی در این زمینه کمک کرده اند باید در زمینه انعکاس اخبار و رویدادهای مربوط به جنبش زنان هم همین وظایف را در دستور کار خود قرار دهند و پروژه ها و سازمان مناسب را برای پیشبرد این وظایف بوجود آورند.

3- تقویت و دفاع از جنبش انقلابی مردم کردستان. اکنون 3 دهه است که مبارزه مردم کردستان در اشکال مختلف علیه سیاستها و سلطه جمهوری اسلامی در کردستان جریان دارد. کومه له بعنوان سازمانی که کمونیست های کردستان را در خود متشکل کرده است به نیروی اجتماعی و با نفوذی در این جنبش تبدیل شده است. تشکیلات ما در خارج از کشور باید این موقعیت واقعی کومه له بعنوان جریان دخیل در تحولات این منطقه را در خود منعکس کند و به پیشبرد استراتژی سوسیالیستی کومه له در جنبش کردستان خدمت کند. روشننگری در مورد راه حل های بورژوائی حل مسئله کرد و تبلیغ استراتژی سوسیالیستی و راه حل کمونیست ها برای رفع ستم ملی از کردستان، برگزاری مراسم و آکسیون های معین برای اعلام همبستگی با مبارزات مردم در کردستان، شرکت در سمینارها و کنفرانس ها و مجامع دیگری که در باره مسئله کرد برگزار می شود، تشکیلات خارج برای پیشبرد این وظایف و جهت گیری ها می تواند بطور موثری از کانال تلویزیون کومه له استفاده کند.

4- جلب همکاری فعالین چپ و کمونیست و فعالین کارگری که در خارج کشور بسر می برند با هدف تقویت حزب کمونیست و کل جریان سوسیالیستی و کارگری در ایران، هم اکنون شمار نسبتا وسیعی از این مبارزان در خارج کشور بسر می برند که از ظرفیت های بالایی برای تقویت حرکت سوسیالیستی و کارگری در ایران برخوردارند. تشکیلات خارج از کشور حزب باید با آغوش باز به استقبال این رفقا برود و آنها را به فعال شدن در درون حزب و یا همکاری نزدیک با حزب ترغیب کند.

5- تلاش برای ایجاد تفاهم و هماهنگی با نیروهای چپ و رادیکالی که در دنیای واقع امر خود را خدمت به انقلاب اجتماعی در ایران، تقویت جنبش انقلابی مردم ایران و مبارزه

- برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار داده اند. همکاری های مشترک در دفاع مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و غیره در راستای برنامه و استراتژی سیاسی حزب قرار دارد.
- 6- دفاع از حقوق پناهندگان و کمک به تخفیف مشکلاتی که در کشورهای میزبان با آن روبرو خواهند شد یکی از وظایفی است که کماکان در دستور فعالیت تشکیلات خارج کشور حزب قرار دارد.
- 7- همکاری و کمک به فراهم کردن تسهیلات و امکانات برای ارتقا کیفیت و گسترش فعالیت تلویزیون کومه له بمثابه یکی از مهمترین ابزارهای تبلیغی تشکیلات حزب
- 8- با توجه به این واقعیت که آموزش مارکسیسم و تئوری سوسیالیسم علمی یک نیاز مبارزه طبقاتی است و ارتقا آگاهی اعضا و فعالین حزب در این زمینه باید یک امر روتین و همیشگی باشد، کمیته تشکیلات خارج تلاش می کند که این امر را سازمان داده و آموزش تئوری سوسیالیسم علمی را به یک فعالیت نهادینه در تشکیلات تبدیل کند. پیوستن شمار نسبتاً قابل توجهی از اعضای جوان به تشکیلات خارج حزب این کار را بیشتر ضروری کرده است.
- 9- کمیته تشکیلات خارج از کشور تاکید می کند که اعضای حزب کمونیست ایران بمثابه کمونیست های انترناسیونالیست بایستی همواره عناصری مرتبط و فعال در مبارزات کارگری و رادیکال اجتماعی در کشورهای محل اقامت خود باشند، با تجارب این جنبش ها از نزدیک آشنا شوند، هم دانش و توان مبارزاتی خود را از این طریق ارتقا دهند و هم بسهم خود بکوشند که جریان رادیکال و سوسیالیستی را در این حرکت ها تقویت کنند.

**کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران**  
**آوریل 2009**